

بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم (ص)

محمد کاظم شاکر^۱

چکیده:

آموزه‌های قرآنی به صراحت بیان می‌کند که اهل کتاب پیش از اسلام، چشم انتظار ظهور پیامبری بزرگ در جزیره‌العرب بودند. همچنین بیان می‌کند که وقتی پیامبر اکرم (ص) ظهور کردند، او را چنان می‌شناختند که فرزندان خویش. این امر حکایت از آن دارد که در سنت شفاهی و مکتوب آنها اوصاف دقیقی از آن حضرت وجود داشته است. بنا به تصریح قرآن، حضرت عیسی (ع) آمدن پیامبر اسلام (ص) را با وصف احمد به پیروان خویش بشارت می‌داده است. از همه این موارد که بگذریم، بحث‌برانگیزترین ادعای قرآن این است که یهودیان و مسیحیان در تورات و انجیلی که در زمان نزول قرآن مورد استفاده اهل کتاب بوده است، به راحتی می‌توانستند اوصاف پیامبر و یارانش را دریابند. امروزه این سؤال به صورت بسیار جدی مطرح است که با فرض این که کتاب مقدس موجود یهودی و مسیحی همان کتابی باشد که در زمان نزول قرآن رایج بوده است، این ادعای قرآن بر کدام بخش یا بخش‌هایی از کتاب مقدس منطبق است.

در این مقاله، ضمن روشن کردن مصداق تورات و انجیل مورد اشاره قرآن، به تحلیل مواردی پرداخته شده که به صراحت یا اشارت در کتاب مقدس فعلی یهودیان و مسیحیان در مورد پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است.

کلید واژه‌ها: بشارت، پیشگویی، پیامبر (ص) در تورات، پیامبر (ص) در انجیل، بشارت عهدین، فارقلیط.

۱- دانشیار دانشگاه قم.

طرح مسأله

ظهور پی در پی پیامبران الهی از نسل حضرت ابراهیم (ع) از آموزه‌های تفکیک‌ناپذیر سه دین بزرگ ابراهیمی یعنی اسلام، مسیحیت و یهود به شمار می‌آید. با توجه به باورهای پیروان این سه دین، می‌توان دوران ظهور پیامبران الهی را به سه دوره تقسیم کرد؛ ۱- دوره عهد قدیم، ۲- دوره عهد جدید، ۳- دوره ختم نبوت. مطابق سنت مسیحی، پیامبران عهد قدیم غیر از هدایت مردم، رسالت دیگری نیز بر دوش داشته‌اند که پیشگویی ظهور حضرت عیسی و ورود بشر به دوره عهد جدید با خداوند بوده است؛ از این رو، نزد مسیحیان بخش قابل توجهی از نوشته‌های عهد عتیق به عنوان کتاب‌های «پیشگویی»^۱ نام بردار شده و مسیحیان ادعای خویش مبنی بر مسیحا بودن عیسی را بر آن پیشگویی‌ها بنیان نهاده‌اند. مطابق سنت اسلامی، همه پیامبران همچون حلقه‌های یک زنجیر به هم متصل‌اند و هر پیامبری مصدق پیامبران پیش از خود و مبشر پیامبر و یا پیامبران پس از خود است. از آنجا که شریعت اسلام در آخرین حلقه کمال، نمایانگر عهد نهایی خداوند با بشر است، این عهد و پیمان، همراه با ویژگی‌های پیامبر خاتم (ص) و امت جهانی اسلام، به همه پیامبران و امت‌های گذشته ابلاغ شده است. علاوه بر قرآن کریم، روایات اسلامی نیز بر این امر تأکید کرده‌اند که افزون بر بشارت حضرت عیسی نسبت به پیامبر بزرگ اسلام، پیامبران عهد عتیق نیز در کتاب‌هایشان، به ویژه در همان کتبی که به پیشگویی معروف‌اند، مانند کتاب اشعیا نبی، به ظهور حضرت محمد (ص) بشارت داده‌اند. (نک، ماوردی، ۵۴/۱ و ۱۷۱؛ ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق، ۲۸۷/۸؛ طبری، تاریخ الطبری، ۳۷۸/۱؛ ابن عساکر، ۳۳/۸؛ ابن قتبه الحدیث لابن قتبه، ۱۴۲/۱؛ مجلسی، ۱۶۱/۱۴-۱۶۳)

بی شک اصل بحث از بشارت تورات و انجیل در مورد پیامبر اکرم (ص) بحثی جدید نیست که امروزه مطرح شده باشد بلکه از دیر زمان این موضوع مورد پرسش و پاسخ مسلمانان و اهل کتاب بوده است و ادبیات این بحث را می‌توان با تبیین‌های

1- prophecy

بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم (ص) ۱۱۳

مختلف در بسیاری از کتب و رساله سراغ گرفت. علاوه بر مسلمانان، تعدادی از این کتب و رسالات توسط نومسلمانانی نوشته شده که قبلاً در شمار دانشمندان و رهبران مذهبی یهود یا نصاری بوده‌اند. به طور قطع، این پژوهش از مسیری که با پژوهش‌های پیشین هموار شده عبور کرده و از این جهت وام دار آنهاست، اما در این راه گام‌هایی نیز به جلو برداشته است. در این مقاله مراد از تورات و انجیل مورد اشاره قرآن در بحث بشارت به صورت شفاف با ذکر ادله مصداق‌یابی شده است که همان کتاب مقدس فعلی یهودی - مسیحی است و نه تورات و انجیل واقعی و نه اسفار خمره و اناجیل اربعه. همچنین اثبات بشارت حضرت عیسی در مورد فارقلیط را مستلزم تحریف انجیل توسط مسیحیان پس از ظهور اسلام دانسته نشده است، بلکه در این باره تبیینی کاملاً جدید عرضه شده است و حتی تفسیر مسیحی از این واژه نیز هماهنگ با ادعای مسلمانان دانسته شده است. گذشته از این موارد، نگارنده در این نوشتار، با ذکر شواهدی جدید، به تقویت نمونه‌های بشاراتی که توسط پیشینیان گزارش شده پرداخته است. همچنین از برخی از تحریف‌های جدیدی که در بعضی ترجمه‌های فارسی اخیر از کتاب مقدس در آیات مربوط به بشارت اتفاق افتاده، پرده برداشته شده است.

۲- اشارات قرآن به بشارت ظهور پیامبر اسلام (ص)

اخبار و آموزه‌های قرآن کریم در باب بشارت پیامبران گذشته نسبت به پیامبر اسلام (ص) را می‌توان در سه مرحله به شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

در مرحله نخست، قرآن کریم اعلام می‌دارد که خداوند از همه پیامبران عهد گرفته است تا به امت‌های خود ابلاغ کنند که هرگاه پیامبری آمد و آموزه‌های وحیانی پیامبران سابق را تصدیق کرد به او ایمان آورند و یاری اش رسانند. در سوره آل عمران آمده است: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ؛ یعنی: و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند،

از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان مؤکد گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس (خداوند) به آنها گفت: «آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان مؤکد بستید؟» گفتند: «(آری) اقرار داریم!» (خداوند به آنها) گفت: «پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم». (آل عمران، ۸۱)

مطابق روایات تفسیری، این آیه بیان می‌کند که همه پیامبران گذشته از امتهای خود عهد گرفته‌اند که به پیامبر اسلام ایمان آورند و او را یاری کنند که این امر خود به طور تلویحی بر بشارت پیامبران الهی نسبت به پیامبر گرامی اسلام نیز حکایت دارد. صرف نظر از دلالت آیه بر این امر، احادیث نیز گویای آن است که خداوند چنین عهده‌ای را از همه پیامبران گرفته است. (سیدرضی، خ؛ ۱؛ متقی هندی، ۳۷۷/۲، ح ۴۲۹۶؛ صفار، ۵۱۴، ح ۳۵) همچنین هر پیامبری مبشر پیامبر و یا پیامبران بعدی نیز بوده است. (کلینی، ۱۱۷/۸، ح ۹۲) در حدیثی از حضرت علی (ع) آمده است که هیچ پیامبری نبوده است جز آن که مردم را به پیامبر بعد از خود بشارت می‌داده است. (کلینی، ۲۵/۸، ح ۴؛ ۲۴۵/۴، باب اختلاف قریش) و همه پیامبران به نبوت حضرت محمد (ص) بشارت داده‌اند. (رک، کلینی، ۲۵/۸، ح ۴؛ ۱۱۳/۸، ح ۹۲؛ سیوطی، ۱۵۸/۱، ذیل البقره، ۸۷)

در مرحله دوم، آیات قرآن خبر می‌دهد که با عمل پیامبران به وظیفه و میثاق الهی، آنان، امت‌های گذشته نسبت به ویژگی‌های پیامبر اسلام آشنا بوده‌اند. مطابق قرآن کریم، آموزه‌های پیامبران گذشته، اعم از میراث مکتوب و سنت شفاهی، چنان روشن و شفاف بوده است که اهل کتاب چشم به راه آمدن رسول مکرم اسلام بوده و هنگام ظهور آن حضرت، وی را از روی ویژگی‌های وعده داده شده چنان می‌شناختند که فرزندان خویش را: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»؛ یعنی: آنان که کتاب آسمانی به ایشان داده‌ایم، بخوبی او (پیامبر) را می‌شناسند، همان‌گونه که فرزندان خود را می‌شناسند؛ فقط کسانی که سرمایه وجود خود را از دست داده‌اند، ایمان نمی‌آورند. (الانعام، ۲۰)

بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم (ص) ۱۱۵

«الَّذِينَ آمَنُوا بِالْكِتَابِ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»؛ یعنی: کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، او (پیامبر) را همچون فرزندان خود می‌شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می‌کنند! (البقره، ۱۴۶)

گرچه بسیاری از آنها به کتمان حقیقت دست زدند و به انکار امری پرداختند که به آن عرفان داشتند: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ یعنی: و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه‌هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می‌دادند (که با کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند) با این همه، هنگامی که این کتاب، و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند؛ لعنت خدا بر کافران باد! (البقره، ۸۹)

در مرحله سوم، و در پی کتمان و انکار پاره‌ای از اهل کتاب، آیات قرآن به افشای نشانی بشارتها در میراث مکتوب حاضر در نزد خودشان می‌پردازد تا برای حق جویان جای هیچ ابهامی باقی نگذارد. این بار به آنها یادآوری می‌کند که برای یافتن نشانی پیامبر خاتم (ص) لازم نیست که مسیر دور و نا آشنایی را پیمایند بلکه کافی است که به تورات و انجیل موجود مراجعه کنند تا نام و اوصاف پیامبر اسلام (ص) و یارانش را بیابند. درواقع، قرآن کریم، یادآور می‌شود که اهل کتاب حتی اگر بخواهند بر آگاهی‌های بر خاسته از سنت دینی شفاهی خود از پیامبر اسلام هم سرپوش بگذارند، آیات موجود در تورات و انجیلشان گواهی روشن برای اهل حقیقت خواهد بود. در این باره سه آیه از آیات قرآن به روشنگری پرداخته است. آیه نخست، که صریح ترین آیه در این باب نیز به شمار می‌آید، آیه ۱۵۷ سوره اعراف است: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ یعنی:

همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛ آنها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز میدارد؛ اشیار پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد، و ناپاکیها را تحریم می‌کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.

آیه دوم، آیه ۲۹ سوره فتح است. این آیه در مورد پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْكِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»؛ یعنی: محمد فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.

آیه سوم، آیه ۶ از سوره صف است. این آیه می‌گوید: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ»؛ یعنی: و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: «ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق‌کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده [تورات]

بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم (ص) ۱۱۷

می‌باشم، و بشارت‌دهنده به رسولی که بعد از من می‌آید و نام او احمد است!» هنگامی که او [احمد] با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: «این سحری است آشکار!».

گرچه آیه سوم به طور مشخص نمی‌گوید که بشارت حضرت عیسی (ع) در مورد پیامبر اکرم (ص) در انجیل آن حضرت بوده است یا خیر، با این حال، روایات اسلامی در تفسیر این آیه، این بشارت را از بشارت انجیل دانسته است. در حدیثی آمده که اسم پیامبر اسلام (ص) در انجیل، «احمد» است. (صدوق، ۲۷۷/۴) این حدیث نشان می‌دهد که بشارت حضرت عیسی (ع) در مورد پیامبر اکرم (ص) در انجیل آمده است. گذشته از این که، اناجیل موجود در عصر پیامبر (ص) در حقیقت، سیره قولی و عملی حضرت عیسی (ع) است که دیگران - که به نظر مسیحیان با تأیید روح القدس - پس از وی نگاشته‌اند و هرگز عین کتاب آن حضرت نبوده است.

صرف نظر از سنت شفاهی بین اهل کتاب در زمان نزول قرآن کریم، که اطلاع دقیقی هم از آن در دست نیست، این مقاله درصدد تبیین و رفع ابهام از دو مسأله مهم است: یکی آن که، آیا اساساً وقتی قرآن در آیات فوق از تورات و انجیل سخن می‌گوید کدام نوشتار و کتاب و یا کتابهای یهودیان و مسیحیان را قصد کرده است؟ آیا مراد از تورات، صرفاً کتابی است که بر حضرت موسی (ع) نازل شده و مراد از انجیل، صرفاً وحی است که بر عیسی فرود آمده است و یا مراد از این دو اصطلاح، نوشته‌هایی اعم از کتب حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) است؟ دیگر آن که، آیا این بشارتها پس از اسلام دستخوش تحریف شده است؟ و یا در نسخه‌های ویژه‌ای موجود بوده که تنها یهودیان و مسیحیان ساکن جزیره العرب با آنها آشنایی داشته‌اند؟ یا آن که هم اکنون نیز در نسخه‌های رایج کتاب مقدس یهودی مسیحی می‌توان یافت؟

بشارتها در کدام تورات و انجیل؟

نگاه اجمالی به آیات قرآن کریم که در آنها از تورات و انجیل نام برده شده است نشان می‌دهد که قرآن به مصداق یکسانی در همه موارد اشاره نکرده است. بلکه کاربرد

قرآن در مورد تورات و انجیل اعم از صحیح و غیر صحیح است. به عبارت دیگر، گاهی قرآن از تورات و انجیل همان چیزی را قصد می‌کند که به عنوان وحی و شریعت الهی، به ترتیب بر حضرت موسی و حضرت عیسی علیهما السلام نازل شده، که خود قرآن کریم نیز تصدیق کننده آنهاست و گاهی کتابها و نوشته‌هایی را قصد کرده است که در عصر نزول قرآن دست یهودیان و مسیحیان بوده و آنها آن نوشته‌ها را با نام تورات و انجیل می‌شناخته‌اند. به طور مثال، وقتی قرآن کریم در توصیف حضرت عیسی (ع) می‌فرماید، «آئیناه الانجیل؛ به او انجیل دادیم» (المائد، ۴۶)، انجیل واقعی را قصد کرده است، در حالی که وقتی خداوند مسیحیان را دعوت می‌کند تا مطابق احکام و مقررات انجیل قضاوت کنند. (المائد، ۴۷) و یا اهل کتاب را فرا می‌خواند تا به اقامه تورات و انجیلشان بپردازند (المائد، ۶۶ و ۶۸)، کتاب‌هایی را قصد کرده که در اختیار یهودیان و مسیحیان بوده است و آنها آن کتاب‌ها را تورات و انجیل می‌نامیده‌اند. بنابراین وقتی قرآن در آیه ۸۱ سوره آل عمران از وجود بشارت در تورات و انجیل سخن گفته همان تورات و انجیلی را مد نظر دارد که در زمان نزول قرآن نزد یهودیان و مسیحیان موجود بوده است (مکتوبا عندهم). به طور مسلم آنچه را که در آن زمان به عنوان تورات و انجیل شناخته می‌شده، تورات و انجیل واقعی نبوده است بلکه مجموعه نوشته‌هایی را تورات و انجیل می‌گفته‌اند که کسانی غیر از موسی و عیسی نوشته بودند.^۱ بنابراین در آیه مورد بحث مراد از تورات و انجیل، کتابهای یهودی و مسیحی بوده است که نزد خودشان به عنوان تورات و انجیل شهرت داشته است. اما سؤال آن است که آنها چه کتاب‌هایی بوده‌اند. یهودیان از قرن‌ها قبل از ظهور پیامبر گرامی اسلام دارای مجموعه‌ای به نام کتاب مقدس بوده‌اند که مشتمل بر تورات و نوشته‌های دیگر

۱- اسپینوزا که خود یک یهودی زاده است، با توجه به شواهد و قرائن خود تورات فعلی اثبات کرده است که تورات، سده‌ها بعد از مرگ حضرت موسی نوشته شده است. نک، باروخ اسپینوزا، مصنف واقعی اسفار خیمه ترجمه علیرضا آل بویه، هفت آسمان، شماره اول، ص ۷۹-۱۰۳ و نیز نک:

Spinoza, p. 120-132.

بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم (ص) ۱۱۹

بوده است که بعدها مسیحیان آنها را عهد عتیق^۱ نامیدند و مسیحیان نیز مجموعه دیگری از نوشته‌های اختصاصی خود را با نام عهد جدید^۲ به آن افزودند که آن نیز مشتمل بر اناجیل و نوشته‌های دیگر بود. به احتمال بسیار زیاد، قرآن کریم در برخی آیات، به مجموعه عهدین موجود در دست یهودیان و مسیحیان عصر نزول، عنوان تورات و انجیل اطلاق کرده است. شواهدی نیز بر صحت این احتمال وجود دارد؛ یکی آن که، قرآن در موارد فراوانی یهودیان و مسیحیان را با عنوان «اهل کتاب» معرفی می‌کند و آن از این روست که هم یهودیان و هم مسیحیان به مجموعه نوشته‌های مقدسشان کلمه «کتاب»^۳ اطلاق می‌کرده‌اند. بنابراین وقتی قرآن از کتاب یهودیان به عنوان تورات و از کتاب مسیحیان به عنوان انجیل یاد کرده است، مجموعه کتب اختصاصی هریک را قصد کرده که همان عهد عتیق و عهد جدید است. دوم آن که، مسیحیان هم اکنون نیز در عرف خودشان به مجموعه عهد جدید عنوان انجیل اطلاق می‌کنند. امروزه مجموعه

۱- عهد عتیق مشتمل بر سه بخش اصلی است: بخش نخست، تورات نام دارد که خود شامل پنج کتاب به نامهای پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثئیه است. یهودیان، آن را همان کتابی می‌دانند که به حضرت موسی (ع) داده شده است. بخش دوم، نبوتیم، به معنای «پیامبران» است که منظور از آن وحی‌هایی است که خداوند بر پیامبران بنی اسرائیل، بعد از موسی و قبل از عیسی نازل کرده است. کتابهایی چون کتاب یوشع بن نون، تواریخ، پادشاهان، سموئیل و اشعیا از این دسته است. نبوتیم مشتمل بر ۲۱ کتاب است. بخش سوم راکتوبیم گویند که به معنای «نوشته‌ها» است. منظور از آن، نوشته‌های انبیای بنی اسرائیل است که محتوی پیام‌های آنها و قوم بنی اسرائیل خطاب به خداوند است، کتابهایی چون مزامیر، جامعه، امثال و غزل غزل‌ها از این نوع است. کتوبیم مشتمل بر ۱۳ کتاب است. مسیحیان پروتستان، عینا همین کتابها را در عهد عتیق خود پذیرفته‌اند. کاتولیک‌ها چند کتاب دیگر از کتب پیامبران پیش از حضرت عیسی را که یهودیان آنها را معتبر نمی‌دانند نیز در عهد عتیق خود آورده‌اند.

۲- عهد جدید مشتمل بر ۲۷ کتاب است که در اواخر قرن دوم میلادی از میان نوشته‌های مسیحی توسط آباء کلیسا انتخاب شده است. این نوشته‌ها مشتمل بر چهار نوع است: اول، اناجیل که حاوی زندگی نامه و پاره‌ای از افعال و اقوال حضرت عیسی (ع) است. این اناجیل عبارتند از متی، مرقس، لوقا و یوحنا. بخش دوم مشتمل بر اعمال رسولان است که تنها یک کتاب نوشته لوقا در این بخش انتخاب شده است. بخش سوم را نامه‌های رسولان گویند که شامل ۲۱ نامه از رسولان حضرت عیسی است که طی آن به مسیحیان عصر خویش پیام داده‌اند که که بیشتر این نوشته‌ها مربوط به پولس رسول است که بعد از عروج حضرت عیسی به آسمان، به ایشان ایمان آورده است. بخش چهارم، بخش مکاشفه است که در این بخش نیز تنها یک کتاب به نام مکاشفه یوحنا انتخاب شده است. این کتاب دارای ادبیات رمزی است.

«عهد جدید» در زبان‌های مختلف با عنوان «انجیل» منتشر شده است.^۱ شاهد دیگر آن که، روایات اسلامی بشارت‌های تورات و انجیل در مورد پیامبر گرامی اسلام (ص) را به کتابهایی نسبت می‌دهد که گرچه در مجموعه عهد عتیق و جدید هستند اما در ضمن اسفار خمس تورات و نیز اناجیل اربعه نیستند. با این شواهد می‌توان نتیجه گرفت که بشارت‌های مورد اشاره قرآن کریم در مجموعه عهد قدیم و عهد جدید یهودیان و مسیحیان موجود بوده است. از این رو ما نیز می‌توانیم بشارت‌های موجود در کلیه کتابهای عهد قدیم و جدید را به عنوان بشارت‌های تورات و انجیل معرفی کنیم.

نکته دیگر که لازم است یادآوری شود این است که صرف نظر از برخی اختلاف نسخ و قرائات و نیز اختلاف در ترجمه‌ها، مجموعه عهد عتیق و جدید امروزی همان چیزی است که در زمان نزول قرآن نیز مورد استفاده یهودیان و مسیحیان بوده است. زیرا نسخه‌هایی از کتب عهدین در کتابخانه‌ها و موزه‌های جهان موجود است که متن آن با متن عهدین امروزی مطابقت می‌کند. (رک: تاریخ کلیسای قدیم، ص ۷۷؛ باستان شناسی کتاب مقدس، ص ۱۱۶) بنابراین اگر بشارت‌های مربوط به پیامبر اسلام در تورات و انجیل زمان نزول قرآن موجود بوده است، هم اکنون نیز ما باید بتوانیم آنها را در عهدین بیابیم.

کتاب مقدس موجود چه می‌گوید؟

گرچه ممکن است در سنت شفاهی و نیز برخی از کتاب‌های اپوکریفای^۲ موجود و رایج در عصر نزول قرآن، بشارت‌های مربوط به پیامبر گرامی اسلام (ص) با صراحت

۲- به عنوان نمونه می‌توان این موارد را نام برد: انجیل عیسی مسیح، کتاب عهد جدید، چاپ انگلستان، ۱۹۹۷؛ انجیل شریف، انتشارات کتاب مقدس، چاپ اول، ۱۹۷۶؛ عهد جدید یعنی انجیل مقدس خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح، بی‌تا، بی‌جا؛ الانجیل، ترجمه عربی عهد جدید، ۱۹۸۲.

۲- یهودیان و مسیحیان دارای دو دسته کتب و نوشته‌های مقدس هستند، یکی کتب قانونی که به آن کُنن (Cannon) می‌گویند که آنچه قبلاً در مورد کتابهای عهد قدیم و جدید گفتیم کتابهای قانونی آنهاست. دیگری کتب مشکوک و غیرمعتبر که به آن اپوکریفا (Apocrypha) می‌گویند. احتمالاً برخی از این نوشته‌های موسوم به اپوکریفا در میان یهودیان و مسیحیان شبه جزیره عربستان رواج داشته است و چه بسا بشارت‌های مربوط به پیامبر اسلام (ص) در آنها صراحت بیشتری داشته است. به طور مثال، برخی از معجزات مربوط به حضرت عیسی (ع) مانند سخن گفتن در گهواره، دمیدن در قالب گلین پرنده و ... در متن اناجیل رسمی نیست، اما هم اینک نیز می‌توان آنها را در کتب اپوکریفای مسیحی مانند انجیل عربی طفولیت و انجیل توماس مشاهده کرد.

بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم (ص) ۱۲۱

بیش‌تری وجود داشته باشد، با این حال، در نوشته‌های موجود یهودیان و مسیحیان نیز به سهولت می‌توان آنها را یافت. هم در کتب عهد عتیق و هم در کتب عهد جدید، مواردی وجود دارد که می‌توان آنها را حاکی از بشارت‌های پیامبران بزرگی همچون حضرت موسی، حضرت عیسی و دیگر پیامبران بنی اسرائیل دانست که در اینجا به مهم‌ترین این موارد به تفکیک عهد قدیم و عهد جدید می‌پردازیم.

پیشگویی‌های تورات

در کتاب‌های مربوط به بشارت^۱ و تفاسیر قرآن^۲ به موارد زیادی از متون عهد قدیم استشهد شده و نویسندگان و محققان آنها را بر پیامبر اکرم (ص) منطبق دانسته‌اند. در اینجا به بیان چند نمونه می‌پردازیم.

ظهور آخرین شریعت الهی از فراز کوه فاران

در تورات آمده است: «و این است برکتی که موسی مرد خدا قبل از وفاتش به بنی اسرائیل داد. او گفت: خداوند از کوه سینا آمد، از کوه سعیر طلوع کرد و از کوه فاران درخشید و با ده هزار از مقدسین و مؤمنین آمد». (تثیه، ۱-۳)

این عبارت به صورت کنایه از ظهور سه پیامبر بزرگ الهی یعنی حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد (ص) سخن می‌گوید. خداوند در سینا بر حضرت موسی (ع) تجلی کرد، در ساعیر که همان فلسطین است بر حضرت عیسی (ع) ظهور یافت و در کوه فاران در مکه بر پیامبر اسلام (ص) متجلی شد. هیچ یک از پیامبران بنی اسرائیل کوچک‌ترین ارتباطی با کوه فاران نداشته‌اند. فقط هاجر بود که به اتفاق

۲- برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب‌های «انیس الاعلام فی نصره الاسلام» (ج ۵) نوشته محمد فخر الاسلام و «بشارت عهدین» نوشته دکتر محمد صادقی و «محمد در تورات و انجیل» نوشته عبد الاحد داود و «راه سعادت» نوشته میرزا ابوالحسن شعرانی مراجعه کرد.

۳- رشید رضا در تفسیر المنار تعداد بشارت موجود در عهدین را به هیجده مورد رسانده است. (نک، رشیدرضا،

فرزندش اسماعیل در بیابان بئر شبع سرگردان شد و سپس در حوالی فاران اسکان گرفت و خداوند در همان هنگام بود که هاجر را بشارت داد که «من قوم بزرگی را از او به وجود خواهم آورد» (پیدایش، ۱۸/۲۱) تورات تصریح می‌کند که خدا با اسماعیل بود و او در بیابان فاران بزرگ شد (همان، ۲۱/۲۱) و نسل اعرابی را که پیامبر اسلام از آن است بنیان نهاد. در کتاب حبقوق نبی نیز این بشارت آمده است. او می‌گوید: «خدا از تیمان و آن قلدوس از فاران برآمد و جلالش آسمانها را فرا گرفت و سراسر زمین از حمدش پر شد». (حبقوق، ۳/۳)

تیمان و تیما در تورات بسیار آمده (رک: پیدایش، ۱۵/۲۵؛ ایوب، ۱۹/۶؛ ارمیا، ۷/۴۹) و هر دو به معنای صحرای جنوبی است و بر عربستان اطلاق می‌شد که در جنوب فلسطین است. (را، ۲۳۵) جای شگفتی است که در برخی از ترجمه‌های جدید فارسی از کتاب حبقوق، به جای فاران، کوه سینا گذاشته‌اند! (رک: کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، ص ۸۶۹) که علاوه بر آن که از نظر خود تورات نیز، فاران و سینا نمی‌تواند یک مکان باشد، بر خلاف متون اصلی عبری و یونانی و همه ترجمه‌های معتبر کتاب مقدس است.^۱

وعده ظهور پیامبری از نسل حضرت اسماعیل (ع)

مطابق تورات، موسی می‌گوید: «خداوند از میان شما، از میان برادران شما، پیامبری همچون من خواهد فرستاد». (تثنیه، ۱۵/۱۸)

و در ادامه سخن خدا را عینا بازگو می‌کند که می‌گوید: «در آینده پیامبری همچون تو، از میان برادران آنها، مبعوث خواهم کرد و کلامم را در دهانش خواهم نهاد» (تثنیه، ۱۸/۱۸)

۱- تا آنجا که نگارنده تحقیق کرده است همه ترجمه‌های معتبر از عهد عتیق، چه آنها که از روی متن اصلی عبری ترجمه کرده‌اند و چه آنها که از متن یونانی ترجمه کرده‌اند در این عبارت، کوه فاران (Mount Paran) به کار برده‌اند. برای مثال رک:

TANAKH, p. 1067; The Holy Scriptures, p. 751; LA SAINTE BIBLE, p. 1256

بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم (ص) / ۱۲۳

در این آیات با تعبیر «برادران بنی اسرائیل» به پیغمبری اشاره می‌شود که از نسل حضرت اسماعیل خواهد آمد. تورات خود قبایلی را که از نسل اسماعیل یا عیسو^۱ بوده‌اند که در واقع پسر عموهای بنی اسرائیل محسوب می‌شوند به عنوان برادران بنی اسرائیل معرفی کرده است. (برای نمونه رک: تثنیه، ۴/۲ و ۷/۲۳) یگانه پیامبری که آمدنش از نسل حضرت اسماعیل معلوم است، حضرت محمد صلی الله علیه وسلم می‌باشد. علاوه بر این، او نیز همانند حضرت موسی علیه السلام شریعتی را خواهد آورد. هیچ یک از پیامبران بنی اسرائیل ادعا نکرده‌اند که مانند موسی (ع) هستند. علاوه بر این، تورات تصریح دارد که پیامبری به مانند موسی در میان بنی اسرائیل نخواهد آمد. (تثنیه، ۱۰/۳۴) در حالی که در قرآن کریم تلویحا به این امر اشاره شده است که حضرت محمد(ص)، پیامبری مانند حضرت موسی (ع) است. قرآن کریم در بیان وجه تشابه حضرت موسی (ع) و حضرت محمد(ص) می‌گوید:

«إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا»؛ یعنی: ما پیغمبری را که به سوی شما فرستاده‌ایم که (در روز قیامت) در حق شما گواهی خواهد داد همانگونه که به سوی فرعون هم پیامبری را فرستاده بودیم. (المزمل، ۱۵)

و نیز کتاب (شریعت) پیامبر اسلام را کتابی نازل شده بعد از کتاب موسی معرفی می‌کند: «أَنَا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ» (احقاف، ۳۰)؛ «و من قبله کتاب موسی اماما و رحمة». (احقاف، ۱۲)

از سوی دیگر، عبارت «کلامم را در دهانش خواهم نهاد» اشاره به این نکته است که آن پیامبر موعود «امی» بوده و با نوشتن و خواندن سر و کاری نداشته است و از طریق وحی شفاهی، کلام خدا را به مردم می‌رساند. در برخی ترجمه‌های اخیر از کتاب مقدس، عبارت «از میان برادران شما»، با عبارت «از قوم اسرائیل» جایگزین شده است. (رک: ترجمه تفسیری، ص ۱۹۱) با این حال، در عهد جدید نیز این سخن حضرت موسی نقل شده است. در کتاب اعمال رسولان آمده است: «همین موسی به قوم اسرائیل

۱- عیسو برادر دوقلوی حضرت یعقوب بوده است.

گفت: خدا از میان برادران شما، پیامبری مانند من برایتان خواهد فرستاد». (اعمال رسولان، ۳۷/۷)

شترسوار (راکب البعیر) کنایه از چه کسی است؟

درآیه ششم از باب بیست و یکم کتاب اشعیای نبی، از کتب عهد عتیق، با استفاده از دو تعبیر کنایی «الاغسوار» و «شترسوار»، ظهور حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد (ص) را پیشگویی می‌کند. این دو تعبیر بعداً در ترجمه‌ها دچار تغییراتی شده است. در این کتاب، عبارت «کسی که سوارالاغ است» به «کسانی که سواربرالاغند» و عبارت «کسی که سوار برشتر است» به «کسانی که سوار برشترند» تغییر یافته‌اند. (الرحلة المدرسية، ص ۹۰)

روایات شیعه از تشکیل مجلسی در محضر امام رضا (ع) خبر می‌دهند که مأمون عباسی به منظور گفتگو و مناظره تشکیل داد. در آن مجلس، علمای بزرگ ادیان و مذاهب از جمله یهود و نصاری شرکت داشتند. در این مجلس، امام رضا (ع) خطاب به دانشمند یهودی می‌گوید: «ای یهودی! من تو را قسم می‌دهم به آن ده معجزه‌ای که بر موسی نازل شد، آیا در تورات، خبر محمد صلی الله علیه و آله و امت او هست یا نه؟ آیا با عنوان «پیروان شتر سوار که پروردگار را فراوان تسبیح می‌کنند و در دستانشان شمشیرهایی هست که مردم کافر روی زمین انتقام می‌گیرند» از امت او یاد نشده است؟ آیا در تورات چنین نوشته شده است؟ یهودی این سخن را تصدیق کرد و گفت: بله. بعد خطاب به دانشمند مسیحی، که در آن زمان با عنوان جاثلیق شناخته می‌شد، فرمود: آیا از کتاب شعیا اطلاعی داری؟ گفت: حرف تا حرفش را می‌دانم. گفت: آیا در آنجا این کلام نیست که شعیا در مکاشفه خودش گفت: من آن الاغسوار (یعنی عیسی) را دیدم در حالی که جلاب‌ها و روپوش‌هایی از نور به خودش گرفته بود، و آن شترسوار را دیدم در حالی که نورش مانند نور قمر می‌درخشید؟ گفت: بله، شعیا چنین چیزی گفته است. (صدوق، عیون اخبارالرضا، ۱۳۹/۲-۱۵۸) در برخی از منابع اهل سنت نیز به این پیشگویی در کتاب اشعیای نبی اشاره شده است. (نک)،

بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم (ص) / ۱۲۵

ملاحظه می‌کنیم که در این روایت، کتاب اشعیا به عنوان بخشی از تورات تلقی شده است و این شاهدی بر صدق نظریه ماست که در زمان نزول قرآن به مجموعه عهد عتیق، تورات اطلاق می‌شده است.

مژده‌های انجیل

همان طور که گذشت قرآن تصریح می‌کند که در انجیل مطالبی در مورد پیامبر اکرم و یارانش مکتوب بوده و آن مطالب در دسترس مسیحیان نیز بوده است. امروزه این سؤال مطرح است که در کدام کتاب مسیحیان چنین مواردی یافت می‌شود. پروفیسور نیل رابینسون^۱، دانشمند و کشیش مسیحی که به دین مبین اسلام مشرف شده و اکنون سالهاست که به پژوهشهای قرآنی مشغول است، گزارش قرآن کریم از مثل یاران پیامبر در انجیل (الحجرات، ۲۹) را اشاره به مثل برزگر در انجیل می‌داند. (رک: مرقس، ۳/۴-۱۵) وی می‌نویسد: از دیدگاه قرآن، با ظهور اسلام، تعالیم توحیدی حضرت عیسی (ع) - که دیر زمانی به وسیله کلیسا تیره و تار و مغشوش شده بود - در نهایت، بسان بذری کاشته شده در خاک حاصلخیز به بار نشست. (عیسی در قرآن: عیسی تاریخی و اسطوره تجسد، ۱۵۵) وی همچنین در باره اشاره انجیل یوحنا به پیامبر اسلام، می‌نویسد: مطابق این انجیل، «فارقلیط موعود، [محمد،] مؤمنان را به تمام حقیقت رهنمون می‌سازد»، و از آن جا که قادر به خواندن و نوشتن نیست (أُمّی)، «او از ناحیه خود سخن نمی‌گوید»، یعنی تنها آنچه را از طریق وحی می‌شنود بیان می‌کند. (یوحنا، ۱۶/۱۳) واژه محمد در لغت به معنای «ستوده»^۲، و احمد به معنای «بسیار ستوده»^۱

۱- نگارنده در سال تحصیلی ۲۰۰۲-۲۰۰۳ میلادی که به دانشگاه ولز در بریتانیا رفته بودم با این استاد دانشگاه آشنا شدم. ایشان از شاگردان جان هیک است و سالها در دانشگاههای لیدز و ولز در بریتانیا به عنوان استاد فعالیت کرده است. پروفیسور رابینسون که انگلیسی الاصل است، به زبان‌های عبری، یونانی، لاتین، آلمانی، فرانسه و عربی نیز مسلط است و هم اکنون در دانشگاه سئول در کره جنوبی فعالیت می‌کند. از وی چندین کتاب و مقاله در زمینه اسلام و مسیحیت منتشر شده است.

است. هر دو واژه، معادل‌های قریب‌المعنی برای واژه یونانی «پریکلوتوس»^۲ است که آن نیز واژه‌ای با همان تعداد از حروف مصمت با واژه «پاراکلوتوس»^۳ است و به همین دلیل برای گویندگان زبان‌های سامی، دارای روح معنایی یکسانی است. بنابراین لازم نیست چنین فرض بگیریم که مسیحیان به طور عمدی در متن انجیل دست برده و کلمه «پاراکلوتوس» را جایگزین «پریکلوتوس» نموده‌اند تا پیش‌گویی عیسی در مورد پیامبر اسلام را از بین ببرند. (همان، ۱۵۵) لازم به یادآوری است که برخی از مسلمانان مدعی شده‌اند که این کلمه در اصل «پریکلوتوس» به معنای احمد بوده و مسیحیان آن را به «پاراکلوتوس» به معنای تسلی دهنده تغییر داده‌اند. (رک: محمد خاتم پیامبران، ج ۱، صص ۵۱۱-۵۱۲) مسیحیان در جواب این اتهام می‌گویند که در نسخه‌هایی از اناجیل که قدمت آن به قرن‌ها قبل از ظهور اسلام برمی‌گردد، نیز واژه «پاراکلوتوس» ثبت شده است و با این بیان، ادعای تحریف اناجیل را که از سوی برخی مسلمانان ادعا شده است، زیر سؤال می‌برند و می‌گویند چطور ممکن است کسی چند قرن قبل از ظهور اسلام و نزول قرآن به قصد از بین بردن پیش‌گویی ظهور پیامبر اسلام، نام وی را از اناجیل به واژه دیگری تبدیل کرده باشد؟! بنابراین با تبیین پروفیسور رابینسون، لازم نیست مسیحیان را به تحریف اناجیل متهم کنیم، بلکه به علت یکسان بودن حروف مصمت هر دو کلمه و روح معنایی یکسان این دو واژه نزد سامی‌زبانان در بسیاری از اناجیل به صورت «Parakletos» نوشته شده است.

در مناظره امام رضا (ع) در مجلس مأمون، آن حضرت به جاثلیق فرمود: «ایا از این سخن عیسی (ع) آگاهی که فرمود: من به سوی پروردگار شما و پروردگار خودم می‌روم و بارقلیطا خواهد آمد، مرا تأیید و تصدیق می‌کند همان‌طور که الان من به

1- Highly Praised

2- Periklutos

3- Parakletos =Paraclete

بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم (ص) / ۱۲۷

او گواهی دادم، و اوست که همه چیز را برای شما تبیین خواهد کرد؟». آن گاه آن کشیش مسیحی تأیید کرد که این مطالب در انجیل آمده است.

(عیون اخبارالرضا، ۲ / ۱۵۸-۱۳۹)

نکته دیگر آن که لزومی هم ندارد که اصرار کنیم این کلمه در اصل پراکلوتوس بوده و به عمد و یا سهو پراکلوتوس خوانده شده است. بلکه با فرض پراکلوتوس هم بر پیامبر اسلام قابل تطبیق است. اشتباهی که در ترجمه‌های انجیل یوحنا اتفاق افتاده این است که این کلمه را به روح القدس برگردان کرده‌اند که درست نیست. در انجیل و از جمله انجیل یوحنا، و دیگر نوشته‌های مسیحیان، واژه روح القدس، جزو آشنا ترین واژه‌ها و پر کاربرد است، از این رو، این سؤال مطرح می‌شود که چرا در اینجا به جای روح القدس، واژه پراکلوتوس به کار رفته است. یهودیان یونانی دان قرن اول میلادی، پراکلوتوس را به معنای واسطه و شفیع به کار برده‌اند و با توجه به اوصافی که برای او در انجیل یوحنا آمده تنها بر یک انسان قابل تطبیق است. اول آن که، او به عنوان واسطه خداوند، جانشین حضرت عیسی (ع) می‌شود، در حالی که روح القدس از جنس بشر نیست. پس او باید پیامبری چون عیسی و از جنس بشر باشد. در رساله یوحنا، همین واژه در مورد خود حضرت عیسی (ع) به عنوان پیامبر خدا به کار رفته است. (رساله یوحنا، ۲/۱) در این عبارت هم می‌گوید که خداوند پس از من یک پراکلوتوس دیگری را خواهد فرستاد. علاوه بر این، نمی‌توان عبارت «او از خود تکلم نمی‌کند، بلکه از آنچه شنیده است سخن خواهد گفت» را به روح القدس نسبت داد؛ زیرا کار روح القدس، القا و الهام بر قلب است. در متن یونانی، دو کلمه «اکو» و «لالی» به کار رفته که اولی به معنای دریافت صداها و دومی به معنای تولید اصوات است که بر فعل «شنیدن و سخن گفتن» دلالت دارد که از افعال انسانی است. (مقایسه میان تورات، انجیل، قرآن و علم، صص ۱۵۳-۱۵۴) قرآن کریم نیز بر این امر تأکید دارد که پیامبر اسلام (ص) مأمور است در خواندن وحی، تنها از آنچه بر او خوانده می‌شود پیروی کند: «فاذا قرأناه

فاتّبع قرآن» (قیامت، ۱۸) و با این آیه بر فعل خواندن تأکید شده است، علاوه بر آن که نام کتاب آسمانی نازل بر پیامبر اسلام، «قرآن» است که به معنای «خواندن» است.

پیامبری که چشم به راهش بودند

در انجیل یوحنا آمده است: «روزی سران قوم یهود از شهر اورشلیم، چند تن از کاهنان را نزد یحیی فرستادند تا بدانند آیا او ادعا می کند که مسیح است یا نه! یحیی، روشن و بی پرده اظهار داشت: نه، من مسیح نیستم. پرسیدند: خوب، پس که هستید؟ آیا الیاس پیغمبرید؟ جواب داد: نه! پرسیدند: آیا شما آن پیغمبر نیستید که ما چشم به راهش می باشیم؟ باز هم جواب داد: نه! (یوحنا، ۱۹/۱-۲۱)

در باب هفتم از همین انجیل آمده است: «وقتی عیسی به میان مردم آمد و معجزات خود را آشکار ساخت، مردم در مورد وی اختلاف کردند؛ عده‌ای گفتند که او مسیح است و عده‌ای دیگر گفتند که او به راستی همان پیامبری است که چشم به راهش بوده‌ایم». (یوحنا، ۴۰/۷-۴۱)

به راستی این پیامبر که یهودیان در عصر حضرت عیسی (ع) چشم به راهش بوده‌اند چه کسی می‌توانست باشد؟ او همان پیامبری است که خداوند در تورات وعده ظهورش را داده که مانند حضرت موسی (ع) است و از نسل برادران بنی اسرائیل است. از این عبارات به خوبی معلوم می‌شود که پیشگوییهای پیامبران عهد عتیق هم در مورد حضرت عیسی (ع) و دوره عهد جدید بوده و هم در مورد حضرت محمد (ص) و دوره عهد نهایی و ختم نبوت.

اسب سواری به نام امین

در مکاشفه یوحنا خبر می‌دهد که اسب سواری با نام «امین» می‌آید که به حق و عدل مبارزه می‌کند. (مکاشفه یوحنا، ۱۱/۱۹)

واکنش یهودیان و مسیحیان در مقابل بشارت‌های موجود در کتاب مقدس

برخی از دانشمندان یهودی و مسیحی مدعی شده‌اند که ادعاهای مسلمانان در مورد بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم بی اساس است و مدعی شده‌اند که در کتاب مقدس کوچک ترین اشاره‌ای در مورد پیامبر اکرم (ص) وجود ندارد. ابن میمون، دانشمند برجسته یهودی، در نامه‌ای به هم کیشان خود در یمن می‌نویسد:

شما در نامه خویش اشاره کرده‌اید که وکیل (ظاهراً مقصود یک یهودی است که به اسلام گرویده بوده است) گروهی از مردم را اغوا کرده و گفته است که چند آیه از کتاب مقدس به محمد اشاره می‌کند مانند «او را بسیار کثیر گردانم» (پیدایش، ۱۷:۲۰) سو از جبل فاران درخشان گردید (تثنیه، ۳۳:۲) و نبی از میان تو (تثنیه، ۱۸:۱۵) و وعده در مورد اسماعیل که امتی عظیم از او پدید آورم (پیدایش، ۱۷:۲۰) این استدلال‌ها به قدری بازگو شده که صورت زنده‌ای پیدا کرده است. این کافی نیست که بگوییم آنها همگی ضعیف هستند، اما باید گفت که استدلال به این آیات، خنده آور و به غایت بیهوده است. زیرا اینها اموری نیستند که ذهن کسی را آشفته کنند. توده‌های بی سواد و خود آن مرتدان که دیگران را با این عبارات فریب می‌دهند، به آنها معتقد نیستند یا این که برای سرگرمی، آنها را چنین نمایش می‌دهند. هدف آنان از مطرح کردن این آیات خود شیرینی نزد غیر اهل کتاب است تا وانمود کنند که به وجود اشاراتی به قرآن و محمد در تورات معتقدند. ولی خود مسلمانان به استدلالهای این افراد ایمان ندارند: آنان این امور را نمی‌پذیرند و به آنها اشاره نمی‌کنند، زیرا مغالطه آنها روشن است. وی در ادامه می‌نویسد: «از آنجا که مسلمانان نمی‌توانند حتی یک شاهد یا اشاره‌ای یا حتی تلمیحی به پیامبر خویش در سراسر عهد عتیق پیدا کنند که به کارشان بیاید، مجبور شده‌اند ما را متهم کنند و بگویند: «شما متن تورات را تغییر داده و هر اثری از نام محمد را از آن زدوده‌اید.» آنان نمی‌توانند چیزی قوی تر از این استدلال زشت که نادرستی آن به آسانی بر ما و همه جویندگان حقیقت آشکار است، پیدا کنند. اولاً کتاب مقدس صدها سال پیش از ظهور محمد به زبان‌های سریانی، یونانی، فارسی و لاتینی ترجمه

شده است. ثانیاً شرق و غرب در مورد متن کتاب مقدس سنت واحدی دارند که در نتیجه آن هیچ تفاوتی حتی در اعرابگذاری آن مطلقاً یافت نمی‌شود، زیرا سراسر کتاب صحیح است. همچنین هیچ تفاوتی که بر معنا تأثیر بگذارد، در آن وجود ندارد. پس انگیزه آنان برای چنین اتهامی فقدان هر اشاره‌ای به محمد در تورات است. (۳/ ۲۸۶-۲۸۵) (به نقل از ابن میمون در رساله به یمن)

باید گفت که ابن میمون در این ردیه هیچ دلیلی بر رد استدلالهای مخالفان خود نیاورده است جز آن که با ادبیاتی غیر علمی و همراه با تمسخر و توهین بر انکارهای خود پای فشرده است. علاوه بر این، وی مدعی شده که مسلمانان هیچ گاه به آیات مذکور در تورات استدلال نکرده‌اند در حالی که در روایات شیعه و سنی از همان سده‌های اولیه اسلامی به این آیات و نظایر آن استشهاد شده است. علاوه بر آن، می‌دانیم که در سرزمین حجاز، یهودیان و نصرانیان فراوانی که عالمان کشیش هم در میان آنها زیاد بودند، زندگی می‌کردند. اگر آن طور که ابن میمون می‌گوید هیچ اشاره‌ای به پیامبر اسلام در کتاب مقدس نمی‌بود یهودیان و مسیحیان کتاب‌های خود را نزد پیامبر (ص) می‌آوردند و می‌گفتند اسم خود را نشان بده و اگر آن حضرت از چنین کاری عاجز می‌ماند موضوع توسط آن افراد نشر می‌یافت و حتی عقاید مسلمانان را نیز سست می‌کرد. این در حالی است که هیچ گونه گزارش تاریخی، نه در میان منابع مسلمانان و نه یهودیان و مسیحیان دال بر این معنا وجود ندارد که آنها در این مورد با پیامبر محاجه کرده باشند، در حالی که برعکس، عده بسیاری از یهودیان و مسیحیان آمدند و اعتراف کردند که نام گرامی آن حضرت و نیز اوصاف آن بزرگوار و آیین گرامی و پیروان او، در کتاب‌هایشان موجود است. این نکته مهمی است که برخی از دانشمندان غربی که سابقه‌ای در مسیحیت داشته‌اند بر آن تأکید کرده‌اند. نیل رابینسون می‌گوید: «مسیحیان معاصر پیامبر اسلام، برخلاف هم‌کیشان غربی امروزی خود، مطالب قرآن را اموری پریشان و جعلی تلقی نمی‌کردند، بلکه آنها را معتبر می‌یافتند.» (عیسی در قرآن؛ عیسای تاریخی و اسطوره تجسد، ص ۱۴۹) ویلیام وات مونتگمری، دانشمند

بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم (ص) ۱۳۱

برجسته مسیحی معاصر می نویسد: ما از دیدگاههای دقیق مسیحیانی که در مکه می زیسته‌اند یا به آنجا سفر می کرده‌اند عملاً چیزی نمی دانیم ولی می باید بپذیریم که بینش قرآنی از اعتقادات آنان عمدتاً صحیح بوده و نیز بر حسب ظاهر، این بینش آن قدر واقعیت داشته که برای [حضرت] محمد در مراوداتش با گروههای مسیحی مکه و سایر مسیحیان ساکن مناطق دیگر عربستان، مخصوصاً در برخورد دو سال آخر عمر او با مسیحیان، به اندازه کافی تأثیر گذاشته است. (برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ص ۴۳)

نتایج مقاله

از آنچه گفته شد بر نکات زیر به عنوان نتیجه تأکید می شود:

- ۱- قرآن کریم به اشارت و صراحت تأکید کرده که اهل کتاب با توجه به آموزه‌های دینی شان پیامبر اکرم را می شناخته‌اند. برخی از آیات قرآن این آموزه‌ها را به آنچه در تورات و انجیل عصر نزول قرآن بوده است حواله داده است.
- ۲- از آنجا که قرآن، یهود و نصاری را به عنوان اهل الکتاب شناخته و مراد از اصطلاح «الکتاب»، همان مجموعه‌ای است که به عنوان «بایبل = Bible» شناخته می شود که دقیقاً معادل واژه «کتاب» است، بنابراین وقتی قرآن از تورات و انجیل موجود در عصر نزول سخن می گوید، مجموعه عهدین را قصد کرده است و نه صرفاً اسفار خمس و اناجیل اربعه. با توجه به این نکته، بشارت موجود در کتاب‌هایی چون اشعای نبی و یا نامه‌های رسولان و مکاشفه یوحنا را نیز می توان بشارت تورات و انجیل دانست.
- ۳- وی ترین بشارت تورات را می توان بشارتی دانست که تورات از پیامبری به مانند موسی اشاره می کند که شریعتی تازه می آورد و این پیامبر از بنی اسرائیل نیست و هرگز هم در میان بنی اسرائیل ظهور نمی کند، بلکه از برادران بنی اسرائیل است. این

بشارت تنها بر پیامبر اکرم قابل انطباق است که از نسل حضرت اسماعیل است. این بشارت در کتب عهد جدید نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

۴- بشارت به «احمد» توسط حضرت عیسی، از مباحث چالش برانگیز بین مسلمانان و مسیحیان بوده است. قرآن کریم نشانی این بشارت را به انجیل حواله نداده است، با این حال، برخی روایات منبع این بشارت را انجیل دانسته‌اند.

۵- تطبیق فارقلیط موعود بر حضرت محمد(ص)، مستلزم این نیست که به مسیحیان این اتهام زده شود که آنها این کلمه را پس از ظهور اسلام تحریف کرده‌اند. گذشته از آن که، طبق تفسیر مسیحی نیز این کلمه بر پیامبر اکرم(ص) قابل انطباق است، گرچه که در آن صورت دیگر به معنای احمد نیست. اما به هر حال این کلمه چه با گویش پیرا کلیتوس باشد و چه پاراکلیتوس، معادل روح القدس نیست.

۶- انطباق واژه پاراکلیتوس بر روح القدس، انطباقی دور از ذهن است، چرا که موضوع روح القدس در کتب یهودی - مسیحی و به ویژه در فرهنگ دینی مسیحیت از برجستگی خاصی برخوردار است و از این رو بسیار بعید می‌نماید که در این سخن بسیار مهم از حضرت عیسی در آخرین وصایایش به حواریون از کلمه‌ای استفاده شود که در هیچ جای دیگری برای اشاره به روح القدس مورد استفاده قرار نگرفته است.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم با ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ۲- کتاب مقدس.
- ۳- الدر، جان، باستان‌شناسی کتاب مقدس، جان الدر، ترجمه سهیل آذری، انتشارات نور جهان، ۱۳۳۵ هـ.ش.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، مختصر تاریخ دمشق.
- ۵- ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، بیروت، چاپ علی شیری، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۶- بوکای، موريس، تورات، انجيل، قرآن و علم (مقایسه)، ترجمه ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۴ هـ.ش.
- ۷- بلاغی، محمد جواد، الرحلة المدرسية، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۸- پیترز، اف ئی، یهود، مسیحیت و اسلام، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- ۹- توفیق صدقی، محمد، بشائر عیسی و محمد فی العهد القديم و العهد الجديد، تحقیق خالد محمد عبده، مکتبه النافذة، ۲۰۰۶.
- ۱۰- ثعلبی، أبو إسحاق، الكشف و البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۴ م.
- ۱۱- جمعی از نویسندگان، محمد خاتم پیامبران، انتشارات حسینیہ ارشاد، ۱۳۶۳ هـ.ش، چاپ دهم.
- ۱۲- حجازی، سقا، البشارة بنبی الاسلام فی التوراه و الانجیل، بیروت، دار الجیل، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- ۱۳- همو، المسیحا المنتظر، نبی الاسلام (ص)، مصر، مکتبه الثقافه الدینیة، ۱۳۹۷ هـ.ق.
- ۱۴- دینوری، عبدالله بن مسلم، غریب الحدیث، بغداد، ۱۳۹۷ هـ.ق.
- ۱۵- داود، عبد الأحد، محمد (ص) کما ورد فی کتاب اليهود و النصارى، ترجمه محمد فاروق الزین، ریاض، مکتبه العبیکان، ۱۴۱۸ هـ.ق.
- ۱۶- دراس اس، بشارت عزرا بالنبی العربی، ترجمه و تعلیق آمریکن، لندن، منشورات فادی برس، ۱۹۹۸ م.
- ۱۷- رشید، محمد رضا، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۴۲ هـ.ق.
- ۱۸- رابینسون، نیل، عیسی در قرآن؛ (عیسای تاریخی و اسطوره تجسد)، ترجمه محمد کاظم شاکر، مجله هفت آسمان، شماره ۲۴، زمستان ۸۳.
- ۱۹- زمخشری، محمود بن عمر، ربیع الابرار فی نصوص الاخبار، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۲ م.
- ۲۰- سقار، منتقد، هل بشر الكتاب المقدس بمحمد (ص)، مکه المکرمه، مکتبه النافذة، ۲۰۰۶ م.
- ۲۱- سبجانی، جعفر، احمد موعود انجیل، قم، انتشارات توحید، ۱۳۶۱ هـ.ش.
- ۲۲- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التأویل بالمأثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ۲۳- سیدرضی، محمد بن الحسن، نهج البلاغه، به ترجمه فیض السلام، بی تا.

۱۳۴ پژوهش‌نامه قرآن و حدیث - شماره هفتم (تابستان و پاییز ۱۳۸۹)

- ۲۴- شعرانی، ابوالحسن، راه سعادت؛ رد شبهات اثبات نبوت خاتم الانبیا و حقانیت دین اسلام، تهران، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- ۲۵- صادقی، محمد، بشارات عهدین، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- ۲۶- صفّار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تهران، منشورات الاعلمی، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- ۲۷- صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، بیروت، دار صعب و دار التعارف، ۱۴۰۱ هـ.ق.
- ۲۸- همو، عیون اخبار الرضا، تهران، انتشارات علمی، بی تا.
- ۲۹- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، بیروت، دار الکتب العربیة، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۳۰- همو، تاریخ الأمم والملوک، بیروت، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۳۱- فخر الاسلام، محمد، انیس الاعلام فی نصره الاسلام، تنظیم از عبدالرحیم خلخالی، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۵۴ هـ.ش.
- ۳۲- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- ۳۳- میلر، م، تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین، انتشارات حیات ابدی، ۱۹۸۱ م.
- ۳۴- ماوردی، ابوالحسن، أعلام النبوة، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۷ م.
- ۳۵- متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۹ م.
- ۳۶- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ۳۷- مونتگمری وات، ویلیام، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- ۳۸- نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاية الارب فی فنون الادب، بیروت، دارالکتب و الوثائق القومیة، ۱۹۹۸ م.
- ۳۹- نصرالله عبدالرحمن، ابوطالب، تباشیر الانجیل و التورات با الاسلام و رسوله محمد، بیروت، دارالوفاء، ۱۴۲۵ هـ.ق.
- ۴۰- هیأت تحریریة موسسه در راه حق، حقیقت مسیحیت، قم، موسسه در راه حق، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- 41- LA SAINTE BIBLE, Traduite en francais sous la direction de L'ECLÉBIBLIQUE DE JERUSALEM, LES EDITIONS DU CERF, PARIS, 1956.
- 42- THE HOLY SCRIPTURES, ACORDING TO THE MASORETIC TEXT, PHILADELPHIA, THE JEWISH PUBLICATION SOCIETY OF AMERICA, 1917.
- 43- TANAKH: THE HOLY SCRIPTURES, THE NEW JPS TRANSLATION ACCORDING TO THE TRADITIONAL HEBREW TEXT, THE JEWISH PUBLICATION SOCIETY OF AMERICA, PHILADELPHIA & JERUSALEM, 1985.